

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال هفتم، شماره ۲۵، پاییز ۱۳۹۳
صفحات: ۱۸۶-۱۶۹
تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۱۱؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۶/۱۱

بررسی ماهیت و اهداف تحریم‌های سازمان ملل متحد

دکتر فاضل فیضی*

چکیده

هدف اصلی سازمان ملل متحد حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد. برای وصول به این هدف سازمان ملل از مجموعه متنوعی از ابزارها و شیوه‌ها بهره می‌گیرد. یکی از این ابزارها بهره‌گیری از رژیم تحریم‌های بین‌المللی است. استفاده از سیاست تحریم در منشور پیش بینی شده است، به گونه‌ای که توسل به تحریم در شرایط خاصی امر مشروعی تلقی می‌شود. در فصل هفتم، ماده ۴۱ منشور به شیوه‌های تحریم اشاره داشته است. هدف از اعمال تحریم‌های سازمان ملل متحد تغییر رفتار دولت‌های هدف می‌باشد. هر چند ابزار تحریم در قالب منشور به لحاظ حقوق بین‌الملل و از طرف سازمان ملل متحد مشروع تلقی می‌شود، اما در بکارگیری این ابزار علیه اعضای خاطی سازمان ملل متحد باید رعایت اصول حقوق بین‌الملل عام، رعایت قواعد آمره، موازین حقوق بشر و قواعد حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در نظر گرفته شود و نهایت اینکه هر چند که ابزار تحریم در چارچوب منشور ملل متحد شناسایی شده است اما تجربه نشان داده است که استفاده از این ابزار معمولاً در بستر ملاحظات سیاست بین‌الملل و منافع قدرت‌های بزرگ صورت می‌گیرد که نمونه آن در اعمال قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت علیه فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران دیده می‌شود. نوشتار حاضر تلاش دارد این مهم را بررسی نماید.

کلید واژه‌ها

سازمان ملل، تحریم، صلح، امنیت بین‌المللی، شورای امنیت، نقض صلح، اقدامات قهرآمیز.

* عضو هیات علمی و استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران
fazel_feizy@yahoo.com

مقدمه

بر اساس ماده ۱ منشور سازمان ملل متحد، وظیفه اصلی سازمان ملل متحد حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. اگر چه این سازمان برای وصول به این هدف از مجموع روش‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استفاده می‌نماید، بر اساس ماده ۲۴ منشور، اعضای سازمان ملل متحد، وظیفه اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده شورای امنیت قرار داده‌اند. شورای امنیت می‌تواند در صورت احراز هر گونه تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز کارانه، مجموع اقدامات مسالمت آمیز و قهر آمیز را بر اساس فصول شش و هفت منشور اتخاذ نماید. یکی از این اقدامات، اعمال تحریم بر علیه اعضای خاطی سازمان می‌باشد. بر اساس ماده ۴۱ از فصل هفتم منشور، در صورتی که مجموع اقدامات مسالمت آمیز مذکور در فصل ششم به نتیجه نرسد، این شورا می‌تواند بر اساس فصل هفتم و قبل از توسل به زور و اقدامات نظامی، کشور ناقض منشور را مورد اعمال تحریم قرار داده و از مجموعه‌ای از اقدامات تحریمی مانند متوقف ساختن تمام یا بخش از روابط اقتصادی و ارتباطات راه‌آهن، دریایی، هوایی، پست، تلگراف، رادیویی و سایر وسایل ارتباطی و قطع روابط سیاسی بهره گیرد.

با توجه به اهمیت و جایگاه سیاست تحریم در روابط بین‌المللی کنونی و منشور ملل متحد، در این نوشتار به بررسی ماهیت و اهداف تحریم‌های سازمان ملل متحد پرداخته می‌شود. قبل از ورود به بحث اصلی، ابتدا به بررسی تاریخچه شکل‌گیری سازمان ملل متحد، اصول و اهداف آن و شورای امنیت و در ادامه به بحث درباره تحریم، سیر تحول آن، انواع تحریم و مبانی حقوقی آن می‌پردازیم.

گفتار اول: سازمان ملل، صلح و امنیت بین‌المللی

۱- سازمان ملل متحد

۱-۱- شکل‌گیری سازمان ملل متحد: سازمان ملل متحد ریشه در «جامعه ملل» دارد که متعاقب جنگ جهانی اول تشکیل شده بود. با شکست جامعه ملل در حفظ صلح و امنیت جهانی و وقوع جنگ جهانی دوم این اندیشه در بین اندیشمندان و سیاستمداران شکل گرفت که چگونه می‌توان جلوی جنگ جهانی دیگر را گرفت. به همین دلیل این افراد به دنبال این بودند که ضمن تاسیس یک سازمان جهانی، که مسؤول حفظ صلح و امنیت جهانی است،

مشکلاتی را که در سازمان قبلی، یعنی جامعه ملل وجود داشت، نیز اصلاح و بر طرف شود (بیلیس، ۱۳۸۳: ۷۴۶). هنگام تشکیل سازمان ملل، تاکید بر همکاری بین سه قدرت (ایالات متحده آمریکا، شوروی و انگلیس) جهت انتقال وضعیت جنگی به وضعیت صلح بود. فرانسه و چین در این مذاکرات نقش درجه دوم را داشتند. مسؤولیت اولیه این قدرت‌ها حفظ صلح و امنیت بود. به گونه‌ای که تا حدی با واقعیت‌ها نیز مطابقت داشت. شورای امنیت در واقع برای تامین این مسؤولیت اولیه و با ملاحظات واقعیات سیاست بین‌الملل تشکیل گردید (عسگرخانی، ۱۳۸۳: ۱۸۱-۱۸۲). سازمان ملل متحد در زمان تداوم جنگ جهانی دوم و در قالب یکسری مذاکرات دیپلماتیک بین کشورهای متفق به‌ویژه قدرت‌های بزرگ شکل گرفت.

تاریخ پیدایش این سازمان به زمان صدور «اعلامیه بین‌المتحدین» که نتیجه نشست سران کشورهای متحد در ۱۲ ژوئن ۱۹۴۱ در لندن بود، باز می‌گردد. در این نشست امضاءکنندگان اعلامیه، اذعان داشتند که «اساس واقعی صلح پایدار همانا همکاری علاقمندان ملل آزاد در جهان آسوده از خطر تجاوز، مشحون از امنیت اقتصادی و اجتماعی همه کشورها می‌باشد». برای نیل به این هدف بر آن شدند که همکاری با یکدیگر و دیگر ملل آزاد را در زمان جنگ و صلح دنبال کنند (موسی‌زاده، ۱۳۸۹: ۹۴). «منشور آتلانتیک» در ۱۴ اوت ۱۹۴۱ موثرترین گام جهت تشکیل سازمان ملل متحد بود. در این تاریخ «روزولت» رئیس‌جمهور وقت آمریکا و «چرچیل» نخست‌وزیر وقت انگلستان بر عرشه کشتی در اقیانوس اطلس یکدیگر را ملاقات کردند و سندی را امضاء کردند که در آن بیان شده بود (... مادام که یک نظام وسیع و دایمی برای امنیت عمومی بوجود نیامده، خلع سلاح کشورها ضروری است...). مفهوم نظام وسیع و دایمی از نظر امضاءکنندگان منشور آتلانتیک ایجاد یک سازمان بین‌المللی بود. با صدور اعلامیه ملل متحد، برگزاری کنفرانس‌های مسکو، تهران، دامبارتن اوکس و یالتا اندیشه ضرورت شکل‌گیری سازمان ملل متحد عملیاتی‌تر گردید تا اینکه در نتیجه کنفرانس سانفرانسیسکو منشور ملل متحد در ۲۵ ژوئن ۱۹۴۵ به اتفاق آراء به تصویب رسید، و در نهایت در ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ پس از آنکه آمریکا، به شوروی، چین، فرانسه و انگلیس و اکثر امضاءکنندگان سند تصویب منشور را تسلیم کردند، لازم‌الاجرا شد (موسی‌زاده، ۱۳۸۹: ۹۹).

تشکیلات سازمان ملل متحد به ترتیبی که در اساسنامه ذکر شده است عبارتند از: شش ارگان اصلی شامل: ۱. مجمع عمومی؛ ۲. شورای امنیت؛ ۳. دبیرخانه؛ ۴. شورای اقتصادی و اجتماعی؛ ۵. شورای قیومیت و ۶. دادگاه دادگستری بین‌المللی. تعدادی سازمان‌های تخصصی و

سازمان‌های فرعی دیگر که در صورت لزوم برای انجام وظایف محوله از طرف ارگان‌های اصلی تشکیل خواهند شد (آقایی، ۱۳۸۴: ۹۵).

۲-۱- اصول و اهداف سازمان ملل متحد: اصول در رابطه با اهداف می‌باشند. اهداف سازمان ملل عام و کلی می‌باشند. اهداف اصلی و فرعی سازمان در ماده (۱) منشور ذکر شده‌اند که عبارتند از: ۱. حفظ صلح و امنیت بین‌المللی؛ ۲. توسعه روابط دوستانه میان ملت‌ها بر اساس احترام به اصل برابری حقوقی و خودمختاری دولت‌ها؛ ۳. همکاری اقتصادی و اجتماعی و ترویج احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان؛ ۴. ایجاد مرکزی برای هماهنگ‌سازی اقدامات ملت‌ها برای نیل به اهداف مشترک.

اصول رفتاری اعضای سازمان ملل برای رسیدن به اهداف فوق در ماده (۲) منشور مندرج می‌باشد. به همین دلیل اعضاء برای وصول به اهداف، اصول زیر را در سرلوحه اعمال خود قرار می‌دهند؛

۱. رعایت اصل تساوی حاکمیت از سوی کلیه اعضاء؛ ۲. کلیه اعضاء باید باحسن نیت تعهدات خود را که به موجب منشور قبول نموده‌اند انجام دهند؛ ۳. توسل اعضاء به طرق مسالمت آمیز در حل و فصل اختلاف خود؛ ۴. عدم توسل به زور و هر گونه اقدامی که مغایر با اهداف منشور باشد؛ ۵. ضرورت مساعدت اعضاء به سازمان در هر اقدامی که طبق منشور به عمل می‌آورد و پرهیز از کمک و یاری رساندن به هر کشوری که تحت اقدامات قهری، تامینی و تحریمی قرار دارد؛ ۶. اعضای غیر عضو سازمان، حداقل در مسائلی مرتبط با حفظ صلح و امنیت بین‌المللی باید بر طبق اصول منشور رفتار نمایند؛ ۷. سازمان نباید در امور داخلی اعضاء مداخله نماید مگر در صورتی که امور داخلی اعضاء تهدیدی به صلح، نقص صلح و اقدام تجاوز کارانه باشد.

همان‌طور که بیان شد، اصول در رابطه با اهداف می‌باشند. اصول منشور دارای تناقض می‌باشند یکی از مهم‌ترین اصول منشور، اصل تساوی حاکمیت می‌باشد که بر اساس آن همه اعضاء چه قدرتمند و چه ضعیف همگی به لحاظ حقوقی مساوی می‌باشند، از طرفی اصل نابرابری وجود دارد و آن در رابطه با اعضاء دائمی شورای امنیت می‌باشد که دارای حق ویژه و تو می‌باشند. یکی دیگر از اصول، اصل عدم مداخله است که بر اساس آن سازمان و هرکدام از اعضاء از مداخله در امور داخلی یکدیگر منع شده‌اند، اما در عمل در مواردی مانند جنگ آمریکا علیه افغانستان و عراق پس از ۱۱ سپتامبر، آمریکا در مسائل داخلی این کشورها، مداخله نموده

است. به نظر می‌رسد که اصول رفتاری منشور ملل متحد در بستر واقعیت‌ها و ملاحظات سیاست بین‌الملل معنا و مفهوم پیدا می‌کنند.

۳-۱- سازمان ملل متحد و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی: هدف اصلی و عام سازمان ملل متحد حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. سازمان، هدف مذکور را به شیوه‌های گوناگون و از طریق ارگان‌های مختلف انجام می‌دهد که در این زمینه ماموریت مستقیم و غیر مستقیم دارند.

۳-۱-۱- شیوه‌های حفظ صلح و امنیت بین‌المللی: در ماده یک منشور شیوه‌های مختلف حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به این شکل ذکر گردیده است: توسل به اقدامات دسته‌جمعی مؤثر برای جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات علیه صلح، توسل به اقدامات مسالمت آمیز در حل و فصل اختلافات، رعایت اصول عدالت و حقوق بین‌الملل، توسعه روابط دوستانه بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و خود مختاری ملت‌ها، توسعه و ترویج همکاری‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا بشر دوستانه و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. به‌طور کلی در منشور ملل متحد می‌توان دو رویکرد صریح و ضمنی را در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و مقابله با تهدیدات موجود شناسایی کرد: الف) رویکرد صریح سیاسی - نظامی: که بر اساس آن نهادهایی مانند شورای امنیت، مجمع عمومی و دبیرخانه (دبیرکل) در حفظ صلح و امنیت نقش آفرین می‌باشند؛ ب) رویکرد ضمنی و غیر مستقیم اقتصادی و اجتماعی: که بر اساس آن بیشتر نهادهایی مانند شورای اقتصادی - اجتماعی و سایر آژانس‌های تخصصی که در حوزه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فعالیت دارند، در حفظ صلح و امنیت نقش آفرین می‌باشند. به‌طور مثال یکی از مفروضات شکل‌گیری «سازمان یونسکو» این بوده است که از آنجایی که جنگ از ذهن و اندیشه انسان‌ها نشأت می‌گیرد، بنابراین با توسعه روابط علمی - فرهنگی میان ملت‌ها می‌توان ذهن و اندیشه آن‌ها را تغییر داد و در نتیجه در حفظ صلح و امنیت کوشید.

۳-۱-۲- شورای امنیت مسؤول اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی: بر اساس ماده ۲۴ منشور، اعضای سازمان مسؤولیت اولیه حفظ صلح را برعهده شورای امنیت قرار داده‌اند. بر اساس ماده ۳۹ منشور، شورای امنیت وجود هر گونه تهدید علیه صلح، نقض صلح و یا عمل تجاوز را احراز نموده و توصیه‌هایی می‌نماید و یا در صورت لزوم تصمیم می‌گیرد که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی اقداماتی بر طبق مواد ۴۱ و ۴۲ انجام دهد. شورای امنیت در صورت احراز موارد سه گانه تصمیم به استفاده از روش‌های تنبیه و یا قهری می‌گیرد و برای این منظور

مقررات فصل هفتم منشور را به اجرا می‌گذارد. به‌طور مثال موضوع فعالیت هسته‌ای ایران که از آژانس به شورای امنیت احاله شده است؛ مقررات فصل هفتم بر آن حاکم می‌باشد و چنین امری نشانگر این است که از نظر شورای امنیت مفاد ماده ۳۹ بر فعالیت هسته‌ای ایران حاکم می‌باشد. یکی از نکات مهم در ماده ۳۹ این است که مفاهیم مندرج در این ماده یعنی تهدید علیه صلح، نقض صلح و عمل تجاوزکارانه تعریف نشده‌اند و اساساً عدم تعریف این مفاهیم و واگذاری امر تشخیص به شورای امنیت به‌طور عمدی بوده است. به نظر می‌رسد علت استفاده نویسندگان منشور از این مفاهیم بسط صلاحیت شورای امنیت بوده است. چنانچه در این قبیل موارد شورای امنیت می‌تواند با استناد به ماده ۳۹ در امور داخلی کشورها نیز به مداخله بپردازد، چنانچه شورای امنیت در بسیاری از موارد هم ممکن است با در نظر گرفتن اوضاع و احوال سیاسی جهان، بحران‌های داخلی را مخاطره‌انگیز تلقی ننماید و براحتهی از کنار آن بگذرد و یا بالعکس در جای دیگر با همان شرایط و ویژگی با قاطعیت وارد عمل شود (آقایی، ۱۳۸۴: ۱۱۵).

شورای امنیت در اجرای وظیفه اصلی خود (حفظ صلح و امنیت بین‌المللی) به دو طریق عمل می‌کند: اول: مداخله مسالمت آمیز در حل اختلافاتی که ممکن است صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر بیندازد و یا فراهم نمودن وسایل حل اختلاف. دوم: مداخله قهر آمیز و اتخاذ روش‌های اجبار کننده که معمولاً پس از شکست طریقه اول صورت می‌گیرد.

اول: مداخله مسالمت آمیز: در فصل ششم منشور و از طریق مواد ۳۳ تا ۳۸ مقررات مربوط به آیین حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی ذکر شده است. در این مرحله اقدامات شورای امنیت جنبه توصیه‌ای دارد و برای اعضاء و یا طرفین اختلاف اجباری برای رعایت توصیه‌های شورا وجود ندارد. در حالی که مقررات فصل هفتم برای تمامی اعضاء و طرفین اختلاف لازم الاجرا می‌باشد. بر اساس فصل ششم شورای امنیت زمانی از مقررات این فصل استفاده می‌نماید که احتمال بروز تهدید علیه صلح، نقض صلح و یا اقدام تجاوزکارانه را بدهد. بر اساس ماده (۱) ۳۳ منشور طرفین هر اختلاف، که ادامه آن محتمل است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد باید قبل از هر چیز از طریق مذاکره، میانجگری، سازش، پیمردی، رسیدگی قضایی و توسل به موسسات یا ترتیبات منطقه‌ای یا سایر وسایل مسالمت‌آمیز بنا به انتخاب خود راه حل آن را جستجو نمایند. در این مرحله شورا می‌تواند انتخاب یکی از روش‌ها را به طرفین اختلاف واگذار نماید، و یا خود رأساً روش خاصی را توصیه نماید و یا حتی یک مرجع حل اختلاف خاص را تاسیس نماید.

دوم: مداخله قهر آمیز و اتخاذ روش‌های اجبار کننده: توسل به اقدامات قهر آمیز بر اساس فصل هفتم منشور، در واقع عینیت یافتن هدف اصلی سازمان ملل متحد می‌باشد. بر اساس این فصل در صورتی که شورای امنیت تهدید علیه صلح، نقض صلح یا اقدام تجاوز کارانه را احراز نماید، می‌تواند بر اساس مواد ۴۱ و ۴۲. اقدامات تنبیهی را به مورد اجرا گذارد. مفاد ماده ۴۱ ناظر بر توسل به زور و اقدام نظامی نیست. بلکه مجموعه‌ای از اقدامات تحریمی شامل قطع تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و خطوط ارتباطی راه آهن، دریایی، هوایی، پستی، تلگرافی، رادیویی و یا سایر وسایل ارتباطی و قطع روابط سیاسی را شامل می‌شود. مفاد ماده ۴۲ ناظر بر توسل به زور می‌باشد. چنانچه شورای امنیت تشخیص دهد که اقدامات پیش‌بینی شده در ماده ۴۱ کافی نیست، می‌تواند به وسیله نیروی هوایی، دریایی یا زمینی به اقدامی که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است مبادرت ورزد. این اقدام می‌تواند در قالب عملیات نمایش، محاصره و سایر عملیات نیروهای هوایی، دریایی یا زمینی اعضای ملل متحد باشد. همانطور که ذکر شد تحریم اقتصادی و پیگیری سیاست‌های تحریمی، اقدامی است که بر اساس فصل هفتم و ماده ۴۱ منشور صورت می‌گیرد و از جمله اقدامات قهرآمیز تلقی می‌شود. به‌طور مثال در ارتباط با ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت، و صدور قطعنامه‌های تحریمی علیه ایران، نشان می‌دهد که شورا بدون استفاده از مقررات فصل ششم مستقیماً مقررات فصل هفتم و ماده ۴۱ را بر این پرونده حاکم نموده است.

نکته قابل ذکر این است که هم در ارتباط با پرونده هسته‌ای ایران و هم در موارد متعددی که به شورای امنیت احاله می‌شود، شورای امنیت در بستر ملاحظات سیاست بین‌المللی و بویژه ملاحظات قدرت‌های حاکم نظام بین‌المل عمل می‌نماید و چه بسا شورای امنیت موضوعاتی را تهدیدی علیه صلح یا نقض صلح یا اقدام تجاوز کارانه احراز می‌نماید که در عمل چنین تهدیداتی وجود ندارند. کما اینکه جمهوری اسلامی ایران در مواقع مختلف نشان داده است که فعالیت‌های هسته‌ای این کشور صلح آمیز بود، و حتی حرکت به سوی ساخت بمب هسته‌ای در دکترین نظامی و امنیتی این کشور قرار ندارد.

گفتار دوم: تحریم‌های سازمان ملل متحد

تحریم‌های سازمان ملل متحد یکی از اقدامات تنبیهی این سازمان علیه اعضای ناقض منشور ملل متحد می‌باشد. تحریم‌های بین‌المللی به عنوان ابزاری برای اعمال فشار اقتصادی

بر کشورها از سوی جامعه جهانی در جهت تغییر یا تعدیل سیاستها و رفتار آنها صورت می‌گیرد. اعمال چنین سیاستی از سوی اعضای سازمان ملل متحد به شورای امنیت واگذار شده است. عده ای نیز معتقدند که اگر سیاست تحریم با بررسی وضعیت کشور خاطی و نقاط ضعف آن باشد و برای هر کشوری تحریم خاص اعمال گردد، می‌توان به کارایی تحریم به عنوان ضمانت اجرایی مؤثر امیدوار بود.

۱- تعریف تحریم

تحریم عبارت است از امتناعی نظام یافته از برقراری روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا نظامی یک دولت یا گروهی خاص از دولت‌ها برای تنبیه یا ایجاد رفتار مورد قبول (حدادی، ۱۳۸۲: ۱۱۰). با این حال برخی کاربرد آن را بیشتر در روابط اقتصادی بین‌المللی رایج می‌دانند که کالاها و خدمات تولیدی یک دولت خاص بایکوت می‌شود و تحریم ممکن است عام یعنی شامل همه کالاها باشد (ایوانز و نونام، ۱۳۸۱: ۹۶). «هنری بنین» و «رابرت گیلپین» تحریم را دست کاری روابط اقتصادی به منظور دستیابی به اهداف سیاسی توصیف می‌کنند که به منظور ناگزیر کردن جامعه به تغییر سیاست یا حکومت خود، آن را تهدید به تنبیه اقتصادی می‌کند (زهرانی، ۱۳۷۶: ۶۷). «مایکل مالوی» اعتقاد دارد که تحریم سلسله اقدامات بدون استفاده از قوای تهدید علیه کشور هدف یا فرد مورد نظراست (Malloy, 1990:7) مارگارت داکسی معتقد است که تحریم‌ها عبارتند از تنبیهاتی که در قالب تبعات اعلام شده ناکامی هدف در تبعیت از استانداردها یا الزامات بین‌المللی، تهدید به اجرا و یا واقعاً اعمال شده اند (Doxey, 1996:9). «رابرت پی اوکووین» معتقد است که «تحریم‌ها تسلیحاتی مهم در زرادخانه سیاست هستند». البته این تسلیحات نیز مانند تمامی دیگر تسلیحات راهبردی باید با حد اکثر احتیاط به کار گرفته شوند تا مبادا شرکت‌های خودی و کارگران، تامین کنندگان و سهامداران آنها هدف آتش خودی قرار گیرند (Quinn, 2000:28). هافبائر و اسکات با محدود کردن تعریف به ابعاد عملیاتی معتقدند تحریم اقتصادی عبارت است از: حذف آگاهانه و با خواست دولتی و یا تهدید به حذف روابط تجاری و مالی معمول (ولی‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۵۱).

باید توجه داشت که در منشور ملل متحد تحریم فقط روابط اقتصادی را شامل نمی‌شود، بلکه تمام روابط اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی را در بر می‌گیرد و با این حال شورای امنیت می‌تواند با توجه به نوع تشخیص خود میزان و نوع خاص از تحریم را اعمال

نماید. گستره بازیگرانی که می‌توانند به اعمال تحریم در سطح بین‌المللی بپردازند می‌تواند شامل یک دولت، گروهی از دولت‌ها، جامعه بین‌المللی و بازیگران غیر دولتی باشند (Kiragu, Ruth, 2010). به‌طور کلی چنین تحریم‌هایی سه هدف را دنبال می‌کنند؛ اولاً: تلاش دارند از طریق بالا بردن هزینه رفتار دولت خاطی؛ آن را متقاعد نماید تا رفتار و سیاست خلاف قواعد بین‌المللی را تغییر دهد. دوماً: تلاش می‌کند از طریق تضعیف کشور هدف از دستیابی آن به اهداف نامشروع بین‌المللی جلوگیری کنند. سوماً: باعث می‌شود که طرف تحریم کننده هویت خود را در مقابل طرف متخاصم تعریف کند (Kiragu Ruth, 2010:8).

۲- تحریم در گستره تاریخی

برخی معتقدند که سابقه تحریم به سرنوشت (کاپیتان چالز بایکوت) یک ملاک انگلیسی در ایرلند در اواخر دهه ۱۸۷۰ بر می‌گردد. در این جریان کاپیتان به خاطر رفتار ظالمانه نسبت به کشاورزان از سوی مجمع زمین ایرلند، از لحاظ اقتصادی واجتماعی در انزوا قرار گرفت. با شروع قرن بیستم اصطلاح تحریم از کاربرد رایج خود در حقوق روابط کار به صحنه بین‌المللی انتقال یافت (حدادی، ۱۳۸۲: ۱۱۱). تحریم در روابط بین الملل ابتدا جنبه خصوصی یا ملی داشته و اتحاد و یکپارچگی افرادی را توصیف می‌کرد که تصمیم داشتند به منظور وادار کردن کشور خارجی یا اتباعش به انجام رفتار معین، روابطی با افراد دارای ملیت خارجی نداشته باشند. این اصطلاح بعدها گسترش پیدا کرد، به‌طوری‌که شروع چنین اقدامی از سوی یک کشور را نیز در بر گرفت. قطع روابط مالی و اقتصادی با کشورهای دیگر و اتباعشان، ممکن است توسط یک کشور یا چندین کشور که مشترکاً عمل می‌کنند، به‌عنوان یک نوع فشار اقتصادی یا خصومت هم در زمان جنگ و یا صلح انجام گیرد. تحریم، همچنین ممکن است به‌عنوان یک مجازات اقتصادی جمعی در موارد تهدید یا نقض صلح از سوی سازمان ملل متحد علیه کشور خاطی بکارگرفته شود (همان: ۱۱۱).

تحریم، به صورت جمعی و در سطح بین‌الملل برای اولین بار پس از جنگ جهانی اول به‌عنوان یک ابزار تنبیه ظهور یافت. در شرایط آرمانی آن زمان، تحریم به‌عنوان ابزار تضمین ثبات نظام بین‌الملل تلقی می‌شد. با شکست تحریم اقتصادی علیه ایتالیا متعاقب حمله این کشور به اتیوپی (Rabinson, 2005:44). این عقیده با چالش مواجه شد. بعد از جنگ جهانی دوم رژیم تحریم در منشور ملل متحد گنجانده شد. در دوران جنگ سرد الگو و تنوع در تشبث به تحریم

فراوان بود. بین ۱۹۴۵ و ۱۹۹۰ بعضی اشکال تحریم بر دیگر ملل بیش از ۶۰ بار و با نرخ میانگین سالانه بیشتر از یک مورد تحریم جدید تحمیل شد و بیش از ۳/۴ این تحریم‌ها بوسیله آمریکا شروع و تداوم یافت و از میان این دسته، بیش از سه چهارم موارد صرفاً توسط آمریکا و بدون شرکت دیگر کشورها اعمال شد. با وجود اینکه سازمان ملل متحد رژیم تحریم را شناسایی نموده است، اما تاکنون ابزار تحریم موفقیت جدی در تغییر رفتار دولت‌های تحت تحریم نداشته است. به گونه‌ای که در طول جنگ سرد اعمال تحریم علیه کشورهایمانند رودزیای جنوبی، کوبا و [رژیم صهیونیستی] با شکست مواجه شد. عده‌ای از پژوهشگران هدف قانونی تحریم‌های سازمان ملل را اعمال فشار بر شهروندان یک دولت می‌دانند، تا بدین وسیله آن‌ها نیز دولت‌های متبوع خود را برای اتخاذ رفتار مناسب تحت فشار قرار دهند و در مقابل عده‌ای دیگر معتقدند که گرچه در تحریم عنصری از تنبیه وجود دارد. اما صرفاً به منظور ایجاد تغییراتی در رفتار سیاسی دولت این کشور است. (حدادی، ۱۳۸۲: ۱۱۱). عده‌ای نیز مهمترین کارکرد تحریم را بازدارندگی می‌دانند (ظریف، ۱۳۷۶: ۹۲).

۳- انواع تحریم

تحریم به عنوان یک سیاست و اقدام تنبیه می‌تواند در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی باشد و یا می‌تواند در سطوح دولتی و غیر دولتی نیز صورت گیرد.

۳-۱- **تحریم خصوصی یا ملی:** گاه تحریم ممکن است توسط افراد یا گروه‌ها یا تشکیلات غیر دولتی به منظور وادار کردن کشور خارجی یا اتباعش یا حتی دولت متبوع خود این افراد به انجام رفتار مشخص صورت گیرد (حدادی، ۱۳۸۲: ۱۱۲). در طی سال‌های ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۳ پس از اشغال منچوری توسط ژاپن، مردم چین به‌طور گسترده تجارت با ژاپن را تحریم کردند. در ایران دوره قاجار نیز تحریم استعمال تنباکو توسط مردم ایران و با پیروی از حکم تحریمی آیت‌اله میرزای شیرازی نمونه‌ای از تحریم خصوصی (ملی) می‌باشد. تحریم مردم هندوستان علیه انگلستان (۱۸۹۶، ۱۹۰۵، ۱۹۳۰) تحریم مردم ترکیه علیه امپراتوری اتریش- مجارستان (۱۹۰۸، ۱۹۰۹) و تحریم مصر علیه انگلستان (۱۹۲۴) از موارد دیگر تحریم‌های خصوصی (ملی) می‌باشد.

تحریم‌های خصوصی معمولاً مطابق با حقوق ملی مورد قضاوت قرار می‌گیرند، مگر اینکه دولت آن‌ها را آغاز کرده یا دستور داده باشد یا بوسیله معاهدات دو جانبه یا چند جانبه، دولت

متعهد شده باشد که جلوی تحریم را بگیرد و اگر مشخص شود که یک تحریم خصوصی غیر قانونی بوده تنها در موارد نادری همچون موارد مربوط به نقض قواعد حمایت از زندگی و اموال بیگانگان، مسؤولیت بین المللی دولت مطرح خواهد شد (فیوضی، ۱۳۵۲).

۲-۳- تحریم‌های دولت‌ها علیه یکدیگر: این تحریم دولت محور بوده و توسط یک دولت علیه دولت دیگر بکار برده می‌شود. نمونه بارز این نوع تحریم، تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران می‌باشد. تحریم‌های اقتصادی یکی از ابزارهای اصلی دولت‌ها در اعمال فشار بر دولت دیگر می‌باشد و در واقع یکی از فنون مؤثر و کارآمد در اجرای سیاست خارجی برای تحقق هدف‌ها و تامین منافع ملی، استفاده از ابزارهای اقتصادی، مالی، تجاری و تکنولوژیک می‌باشد. در این راستا دولت استفاده کننده از این حربه سعی می‌کند دولت‌های دیگر را به تغییر در رفتارهای سیاست خارجی شان وادار کند، به گونه ای که دگرگونی‌های حاصل از داده‌های سیاست خارجی دیگران، منافع دولت استفاده کننده را از ابزارهای مورد نظر در پی آورد (قوام، ۱۳۷۲: ۲۱۰). آن طوری که «جورج لوپز» و «دیوید کارترایت» می‌گویند تحریم‌های اقتصادی جزئی از مهارت‌های دیپلماتیک در طول قرن‌ها بوده است. اساساً امروزه تحریم به عنوان یک استراتژی برای آغاز جنگ اقتصادی در جریان خصومت و با اهدافی متفاوت فرض می‌شود (زهرانی، ۱۳۸۹: ۵۰). تحریم‌های آمریکا علیه لیبی، تحریم آمریکا علیه هائیتی در سال ۱۹۹۲، تحریم کوبا و عراق نیز نمونه‌های استفاده از ابزار تحریم اقتصادی آمریکا علیه دولت‌های مخالف خود می‌باشد. یکی از شاخص‌های سیاست خارجی آمریکا در استفاده از ابزار تحریم، علاوه بر فشار اقتصادی، اعمال فشار سیاسی و ترغیب سایر کشورها به پیروی از سیاست‌های تحریمی این کشور می‌باشد و با توجه به اینکه بر اساس مفاد و منشور سازمان ملل متحد و رویکرد اکثر کشورهای در حال توسعه، بهره‌گیری از ابزار تحریم در سیاست خارجی امر مذموم و نامشروع تلقی می‌شود، بسیاری از کشورهای غربی و توسعه یافته از جمله ایالات متحده مدعی هستند که این ابزار را به کار می‌گیرند. همانطور که ذکر گردید اقدامات تحریمی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در این قالب توجیه می‌شود. دولت آمریکا ادعا می‌کند که ایران برخی از قواعد حقوق بین الملل را نقض نموده است که از جمله آن ایراد اتهام حمایت از گروه‌های تروریست، مخالفت با روند صلح خاورمیانه و تلاش در دستیابی به سلاح‌های کشتار دسته جمعی می‌باشد. این در حالی است که بر اساس منشور ملل متحد و قطعنامه‌های مجمع عمومی بهره‌گیری از

تمام اشکال اجبار در زندگی بین المللی از جمله فشار اقتصادی علیه کشور دیگر محکوم شده است (قطعه‌نامه شماره ۲۱۰، ۱۹۹۱).

تحریم دولت محور، ممکن است به صورت دسته جمعی بوسیله گروهی از دولت‌ها علیه دولت یا دولت‌های دیگر نیز نمود پیدا نماید. تحریم اسرائیل از سوی کشورهای اتحادیه عرب، همچنین تحریم مصر توسط کشورهای عرب بخاطر صلح با اسرائیل از نمونه‌های این نوع تحریم می‌باشد.

۳-۳- تحریم‌های سازمان ملل متحد: نظام تحریم در قالب یک نهاد بین‌المللی اولین بار توسط جامعه ملل بنیانگذاری شد و بر اساس مواد ۱۶، ۱۷ اعضای جامعه ملل روابط اقتصادی، تجاری و مالی خود را با اعضای که بر خلاف تعهدشان در میثاق عمل می‌نمایند، قطع می‌نمودند، با این حال جامعه ملل به دلایل مختلف از جمله نداشتن ضمانت اجرای محکم در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ناتوان بود و به تبع آن رژیم تحریم جامعه ملل نیز در مجازات اعضای خاطی مؤثر عمل ننمود و به همین دلیل به هنگام تهیه و تدوین پیش‌نویس اساسنامه سازمان ملل متحد، نویسندگان منشور ملل متحد در صدد ایجاد نظام قوی‌تر بر آمدند و مهمترین اقدام آن‌ها در تحقق این هدف تمرکز قدرت تصمیم‌گیری در شورای امنیت بود. در قالب ساختار سازمان ملل متحد هم شورای امنیت و هم جامعه ملل دارای نقش و قدرت تحریمی هستند، اما تحریم‌های مجمع عمومی جنبه توصیه داشته و ضمانت اجرای آن افکار عمومی بین المللی است.

شورای امنیت سازمان ملل متحد مسؤلیت شناسایی نقض صلح، تهدید صلح و وقوع عمل تجاوز نظامی را بر عهده داشته و در این راستا بر اساس ماده ۴۱ منشور می‌تواند از اقدامات تحریمی بهره بگیرد و بعد از فرو پاشی شوروی و پایان جنگ سرد، شورای امنیت از ابزار تحریم بیشتر بهره برده است. به گونه‌ای که در دوره بعد از جنگ سرد شورای امنیت علیه کشورهایمانند لیبی، لیبیا، عراق، سومالی، یوگوسلاوی، هائیتی، کره شمالی و ایران نیز اعمال تحریم نموده است، افزایش تعداد تحریم‌های اعمال شده این تصور را پدید می‌آورد که این ابزار اجرایی شورای امنیت در مقایسه با توسل به قوه قهریه بویژه برای اعضای دایم شورای امنیت هزینه کمتری دارد و این تحریم‌ها در مواقعی به صورت اقدامات قهری، ابزاری چند منظوره در دیپلماسی باز دارنده و یک استراتژی محرک برای تغییر سیاسی و اجتماعی در کشور هدف یا حتی مقدمه ای برای جنگ می‌باشد (زهرانی، ۱۳۸۹: ۵۰).

در حال حاضر با توجه به مشکلات و چالش‌های پیش روی تحریم‌ها مانند نقض مکرر و گسترده تحریم‌ها از سوی برخی از کشورها با هدف تامین اهداف استراتژیک، اعمال فشار مکرر بر اقشار مختلف و آسیب‌پذیر کشور هدف و گرایش هر چه بیشتر شورای امنیت سازمان ملل به وضع تحریم‌های بیشتر علیه کشورها موجب شده تا شورای امنیت بازنگری‌هایی را در این ابزار بین‌المللی اعمال نماید. تحریم‌های هوشمند و هدفمند نتیجه بازنگری شورای امنیت در موضوع تحریم‌هاست و تحریم‌های جدید به لحاظ اعمال فشار بر مقامات و تصمیم‌گیرندگان داخلی از طریق ممنوعیت سفر، مسدود کردن حساب‌های بانکی مقامات و تصمیم‌گیرندگان، تهدید به اعمال مجازات‌های بیشتر و همچنین ایجاد ضوابطی برای تعقیب کیفی تصمیم‌گیرندگان در چارچوب دادگاه‌های خاص و دیوان کیفری بین‌المللی آثار و پیامدهای تحریم‌های گذشته را ندارند، چرا که به صورت موردی و علیه تصمیم‌گیرندگان اصلی اعمال می‌شود و با وجود این، سخن گفتن در خصوص پیامدهای مثبت و منفی تحریم‌های جدید مستلزم گذشت زمان و آشکار شدن میزان کارایی و موفقیت آن‌ها در دستیابی به اهداف تحریم‌هاست (ظریف و سجادی‌پور، ۱۳۸۷: ۵۶۵-۵۶۳).

۴- مبانی حقوقی تحریم‌های سازمان ملل متحد

به‌طور اصولی تحریم اقتصادی به عنوان ابزاری در جهت تضمین اجرای قواعد بین‌المللی و نیز حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی از منظر حقوق بین‌المللی مشروع تلقی می‌شود، مگر اینکه هدف از آن اعمال فشار و سلطه بر سایر کشورها و یا مغایر با تعهدات قراردادی کشورها باشد و اعمال تحریم‌های اقتصادی در مواردی هم که مشروعیت دارد، مستلزم رعایت قواعد بین‌المللی می‌باشد و بنا براین توسل به تحریم اقتصادی فقط از طریق سازمان ملل متحد مشروع تلقی می‌شود و تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه حتی به‌صورت جمعی توسط دولتهای عضو این سازمان ناقض منشور به نظر می‌رسد. بر اساس ماده ۳۹ منشور ملل متحد شورای امنیت وجود هر گونه تهدید علیه صلح، نقض صلح، یا عمل تجاوز را احراز می‌نماید و توصیه‌هایی خواهد نمود یا تصمیم خواهد گرفت که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی به چه اقداماتی بر طبق مواد ۴۱ و ۴۲ باید مبادرت شود. عده‌ای از پژوهشگران معتقدند که شورای امنیت سرشت سیاسی داشته و در انجام وظایف خود محدود به منشور سازمان نمی‌باشد، تحت این شرایط شورای امنیت در انجام وظایف ناشی از فصل هفتم منشور،

هیچ‌گونه محدودیتی ندارد و تشخیص شورا مقید به حقوق بین‌الملل نمی‌باشد، در نتیجه در اجرای مقررات فصل هفتم دست شورا کاملاً باز بوده و محدود به موازین حقوق بین‌الملل نمی‌باشد. با وجود این علیرغم عدم تصریح منشور به الزام شورا مبنی بر رعایت حقوق بین‌الملل در این زمینه، در گزارش‌های کنفرانس سانفرانسیسکو، حقوق بین‌الملل به‌طور ضمنی به‌عنوان مبنای هنجاری منشور ذکر شده است. به علاوه ارکان سازمان ملل تابعان حقوق بین‌الملل می‌باشند و در ایفای وظایف خود ملزم به رعایت قواعد حقوق بین‌الملل می‌باشد (فرخ سیری، ۱۳۸۷: ۳۱). در واقع هرچند شورای امنیت یک رکن سیاسی است، اما وظایف شورا منحصرًا جنبه سیاسی ندارد و باتوجه به بند (۲) ماده ۲۴ منشور که شورا را موظف نموده است طبق اهداف و اصول ملل متحد عمل نماید و نیز بند (۱) ماده ۱ منشور که تحقق صلح و امنیت بین‌المللی را در پرتو اصول عدالت و حقوق بین‌الملل قابل حصول قلمداد نموده است، شورا موظف به اعمال حقوق بین‌الملل می‌باشد و بنا براین شورای امنیت با وجود سرشت سیاسی خود، باید حقوق بین‌الملل را فرا راه خود قرار دهد (شریف، ۱۳۷۳: ۱۰۱).

بر اساس فصل هفتم، شورای امنیت برای تضمین صلح می‌تواند به یکسری اعمال اجرایی متوسل شود. مطابق با ماده ۴۱ شورا می‌تواند به مجموع اقداماتی متوسل شود که مستلزم بهره‌گیری از نیروی نظامی نیست. مجموع اقدامات شورا ممکن است شامل مواردی مانند قطع کامل یا بخشی از روابط تجاری، سیاسی و مخابراتی، هوایی و دریایی می‌باشد. در صورتی که اقدامات اخیر کافی نباشد، شورا می‌تواند بر اساس مفاد ماده ۴۲ به اقدامات نظامی متوسل شود. این اقدامات شامل نمایش نظامی، محاصره و سایر عملیات نظامی، هوایی و زمینی می‌باشد. در هر دو مورد اقدامات شورای امنیت برای کلیه اعضای سازمان ملل الزام‌آور خواهد بود، بدین ترتیب منشور سازمان ملل متحد مسؤولیت توسل به مجازات اقتصادی و نظامی را به شورای امنیت واگذار نموده است. اقدامات دولت‌ها در این زمینه موقوف به اتخاذ تصمیم توسط این رکن می‌باشد و هیچگونه عملیات اجرائی و اقدامات قهرآمیز حتی به موجب قراردادهای منطقه‌ای بدون اجازه شورای امنیت انجام نخواهد گرفت.

محدودیت فوق عملاً به منزله انتقال صلاحیت توسل به مجازات اقتصادی و تحریم اقتصادی از دولت‌ها به سازمان ملل متحد است و حتی در مواردی که شورای امنیت از تصمیم گرفتن در این باره خودداری کند و یا به عللی منجمله رای منفی یکی از اعضای دائم شورا و یا عدم

حصول اکثریت موفق به تصویب قطعنامه نشود، دولت‌های عضو این سازمان نخواهند توانست به تحریم اقتصادی متوسل شوند (ممتاز، ۲۲۱).

۵- محدودیت‌های بکارگیری ابزار تحریم در قالب سازمان ملل متحد

قبل از بیان محدودیت‌های بکارگیری تحریم، هدف شورای امنیت در اعمال تحریم ذکر می‌شود. شورای امنیت در اعمال تحریم یکی از اهداف ذیل را دنبال می‌کند:

۱-۵- تهاجمی: در این حالت تحریم برای تغییر رفتار کشوری خاص به کار گرفته می‌شود.

۲-۵- دفاعی: در این حالت تحریم برای کاهش سریع توسعه توانایی‌های استراتژیک کشوری خاص به کار گرفته می‌شود. مانند اعمال تحریم تسلیحاتی علیه سومالی و یوگسلاوی سابق برای کاهش قدرت جنگی آن‌ها.

۳-۵- ارتباطی: در این حالت تحریم برای ارسال پیام عدم رضایت نسبت به رفتار کشوری خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۴-۵- اعمال تحریم ممکن است مقداری برای بکار گرفتن قوه قهریه از سوی سازمان ملل علیه یک دولت باشد. مانند توسل به زور علیه عراق در قضیه تجاوز آن دولت علیه کویت، پس از اعمال تحریم لازم الاجرا از سوی شورای امنیت صورت گرفت (حدادی، ۱۳۸۲: ۱۲۳).

شورای امنیت علی‌رغم داشتن اهداف صریح و ضمنی در اعمال تحریم‌ها، با این حال در اعمال تحریم با محدودیت‌هایی مواجه می‌باشد که عبارت است از: اصول حقوق بین‌الملل عام، که شورای امنیت باید در اعمال و اجرای تحریم‌ها باید به آنها پایبند باشد. تحت این شرایط پایبندی شورای امنیت به اصول حقوق بین‌الملل عام در اعمال تحریم‌های اقتصادی مستلزم رعایت سه اصل انسانیت (رعایت موازین انسانی)، ضرورت و تناسب می‌باشد.

شورای امنیت ملزم به رعایت قواعد آمره در زمینه اعمال تحریم‌های اقتصادی می‌باشد. این دسته از قواعد در جایگاهی برتر نسبت به مقررات منشور قرار دارند و حتی ماده ۱۰۳ منشور نیز نمی‌تواند برتری آن‌ها را خدشه دار سازد و ممنوعیت تجاوز، نسل‌کشی، تبعیض نژادی، شکنجه، جنایت علیه بشریت و حق تعیین سرنوشت از جمله برخی از مصادیق قواعد آمره می‌باشد. حق حیات از جمله قواعد مهم آمره می‌باشد به گونه‌ای که هر گونه تحریم سازمان ملل متحد نباید مغایرتی با اصل حق حیات مردم یک کشور داشته باشد.

همچنین تحریم‌های سازمان ملل متحد باید با موازین حقوق بشر، مطابقت داشته باشد. شورای امنیت اولاً باید همواره حقوق اساسی بشر را در برنامه‌های تحریم اقتصادی رعایت نماید و ثانیاً تحریم‌هایی را که موجب به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی می‌گردد، وضع ننماید و در صورتی که اقدام به وضع چنین تحریم‌هایی نمود، آن‌ها را متوقف سازد. همچنین علی‌رغم آنکه قواعد حقوق بشر دوستانه بین‌المللی خاص زمان جنگ و مخاصمات مسلحانه می‌باشد، اما دو اصل تفکیک میان افراد نظامی و غیر نظامیان و ممنوعیت ایجاد قحطی و گرسنگی برای غیر نظامیان قابل تسری و تعمیم به برنامه‌های تحریم اقتصادی در زمان صلح نیز می‌باشند. نهایت اینکه اصل تفکیک ایجاب می‌نماید که تنها کسانی در معرض اثرات تحریم‌ها قرار گیرند که در زمره افراد مسؤول و تصمیم‌گیرنده به شمار می‌آیند. بنا بر این افراد عادی و غیر مسؤول نباید از تحریم‌ها زیان ببینند و تحریم‌های اقتصادی هوشمند با هدف قرار دادن اشخاص مسؤول تا حدود زیادی به رعایت اصل تفکیک کمک می‌کنند (فرخ سیری، ۱۳۸۷: ۵۸).

نتیجه‌گیری

در تحلیل نهایی با در نظر گرفتن نقش و اهمیت صلح و امنیت بین‌المللی برای اعضای جامعه بین‌المللی و نظر به اهمیت وابستگی روز افزون کشورها در زمینه اقتصادی، ابزار تحریم در چارچوب منشور ملل متحد برای وادار کردن کشورها به رعایت مقررات منشور در نظر گرفته شده است. شرایط توسل به آن فقط از طریق این سازمان مشروع می‌باشد و تحریم اقتصادی به‌طور یک جانبه حتی به‌صورت جمعی توسط دولت‌های عضو این سازمان ناقض منشور می‌باشد و از طرف دیگر هر چند ابزار تحریم در قالب منشور به لحاظ حقوق بین‌الملل و از طرف سازمان ملل متحد مشروع تلقی می‌شود، اما در بکارگیری این ابزار علیه اعضای خاطی سازمان ملل متحد باید رعایت اصول حقوق بین‌الملل عام، رعایت قواعد آمره، موازین حقوق بشر و قواعد حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در نظر گرفته شود و نهایت اینکه هرچند که ابزار تحریم در چارچوب منشور ملل متحد شناسایی شده است. اما تجربه نشان داده است که استفاده از این ابزار معمولاً در بستر ملاحظات سیاست بین‌الملل و منافع قدرت‌های بزرگ صورت می‌گیرد که نمونه آن رادر اعمال قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت علیه فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌بینیم.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ایوانز، گراهام و نونام، جفری (۱۳۸۱). **فرهنگ و روابط بین الملل**، ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی طراز کوهی. تهران: میزان.
- آقایی، سیدداوود (۱۳۸۴). **سازمان‌های بین‌المللی**. تهران: نسل نیکان، چاپ چهارم.
- بیلیس، جان و اسمیت، استیو (۱۳۸۳). **جهانی شدن سیاست و روابط بین‌الملل در عصر نوین**، ترجمه: ابو القاسم راه چمنی و دیگران. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- زهرانی، مصطفی (۱۳۸۹). «تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران: جایگزین جنگ یا مؤلفه اصلی تحریم»، **فصلنامه روابط خارجی**، سال دوم، شماره چهارم.
- زهرانی، مصطفی (۱۳۷۶). «تحریم اقتصادی از نظریه تا عمل»، **مجله سیاست خارجی**، سال یازدهم، شماره ۱.
- شریف، محمد (۱۳۷۳). **بررسی دکترین نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت**. تهران: انتشارات اطلاعات.
- ظرایف، محمدجواد و سجادپور، محمدکاظم (۱۳۸۷). **دیپلماسی چند جانبه و نظریه و عملکرد سازمان‌های منطقه ای و بین‌المللی**. تهران: دانشکده روابط بین‌الملل.
- عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۸۳). **رژیم‌های بین‌المللی**. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر.
- فرخ سیری، منصور (۱۳۸۷). «محدودیت‌های حقوقی شورای امنیت در اعمال تحریم‌های اقتصادی»، **مجله حقوقی بین‌المللی**، سال بیست و پنجم، شماره ۳۹.
- فیوضی، رضا (۱۳۵۲). **مسئولیت بین‌المللی و نظریه حمایت سیاسی**، تهران: مرکز مطالعات عالی بین‌المللی.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۲). **اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل**. تهران: سمت.
- ممتاز جمشید، **اصول حقوق عمومی حاکم بر قطع روابط تجاری** (www.noormagz.com).
- موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۹). **سازمان‌های بین‌المللی**. تهران: میزان، چاپ پانزدهم.
- ولیزاده، اکبر (۱۳۹۰). «رهیافت‌ها و نظریه‌های کارایی تحریم در اقتصاد سیاسی بین‌المللی»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۱، شماره ۱.

ب) منابع انگلیسی

- Doxey, Margaret (1996). "International Sanctions", in **World Politics: Power, Interdependence and Dependence**, Canada: Harcourt Brace, Jovanovich.
- Kiragu Ruth, Muithuiya (2010). **Assessing the Effectiveness of UN Targeted Sanctions**, University of Vienna.
- Malloy, Micheal (1990). **Economic Sanctions and US Trade**, Boston: Little, Brown.
- Quinn, Robert, Politic Analyst (1997). **The Heritage Foundation Backgrounder**, 1126 of 25.
- Rabinson, Wade (2005). "The Communicative Function of Economic Sanctions as a Form of Expressive Punishment", **Dialogu**, 3:1.